

Examining the Causal Model of Marital Satisfaction Based on Attachment Styles with the Mediating Role of Triangulation

Bashirgonbadi S¹, Dargahi Sh¹, Ahmadboukani S^{*1}, Fadakar P²

1. Ph.D Student of Counseling, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

2. Ph.D Student of Psychometric, University Allameh Tabatabai Tehran, Iran

* **Corresponding author.** Tel/Fax: +982136120320, E-mail: Arezbookani@yahoo.com

Received: May 9, 2019

Accepted: Feb 1, 2020

ABSTRACT

Background & objectives: Marital satisfaction is a very important aspect in the relationship between couples and plays an important role in family health, so it is very important to study the factors affecting it. The present study aimed to predict marital satisfaction based on attachment styles with the mediating role of triangulation in couples of the University of Medical Sciences.

Methods: The research method was descriptive and correlational in the form of path analysis. To conduct this research, 254 married individuals of Tehran University of Medical Sciences were selected by convenience sampling method. The research instrument was Enrich Marital Satisfaction Questionnaire, Adult Attachment Style Scale and Triangulation Questionnaire. The collected data were analyzed through AMOS software.

Results: The results showed that anxiety and avoidance attachment styles reduce and safe attachment style increases marital satisfaction in couples. Also anxious and avoidance attachment styles increase triangulation in couples. Triangulation also has a negative and significant relationship with marital satisfaction. The results of indirect communication showed that the role of mediator of close triangulation in the relationship between avoidance and anxiety attachment styles with marital satisfaction is significant. None of the triangulation variables of children and relatives had a mediating role in the relationship between secure attachment style and marital satisfaction.

Conclusion: Marital satisfaction can be predicted through their attachment styles, and triangulation with others can also affect this relationship. Necessary interventions in this field can greatly increase people's marital satisfaction.

Keywords: Marital Satisfaction; Attachment Styles; Triangulation; Couples

آزمون مدل علی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی مثلث‌سازی

سپیده بشیرگنبدی^۱، شهریار درگاهی^۱، سلیمان احمدبوکانی^{۱*}، پرویز فدakar^۲

۱. دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، تهران، ایران

* نویسنده مسئول. تلفکس: ۰۲۱۳۶۱۲۰۳۲۰ ایمیل: Arezbookani@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: رضایت زناشویی، یک جنبه بسیار مهم در رابطه زوجین است و نقش مهمی در سلامت خانواده دارد، لذا بررسی عوامل اثرگذار بر آن بسیار حائز اهمیت می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی مثلث‌سازی در زوجین دانشگاه علوم پزشکی انجام گرفته است.

روش کار: روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود که در قالب تحلیل مسیر انجام گرفت. برای انجام این پژوهش ۲۵۴ نفر از افراد متاهل دانشگاه علوم پزشکی تهران به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به ابزار پژوهش که شامل پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، مقیاس سبک دلبستگی بزرگسالان و پرسشنامه مثلث‌سازی بود؛ پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار AMOS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج حاصل از پژوهش، نشان داد که سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی موجب کاهش و سبک دلبستگی ایمن موجب افزایش رضایت زناشویی در زوجین می‌گردد، همچنین سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی موجب افزایش مثلث‌سازی در زوجین گردیده و مثلث‌سازی نیز با رضایت زناشویی رابطه‌ای منفی و معنادار دارد. نتایج بررسی ارتباطات غیرمستقیم نیز حاکی از آن بود که نقش میانجی مثلث‌سازی نزدیکان در رابطه بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با رضایت زناشویی معنادار می‌باشد. اما در رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی باید گفت هیچ کدام از متغیرهای مثلث‌سازی فرزندان و نزدیکان نقش میانجی نداشتند.

نتیجه‌گیری: رضایت زناشویی زوجین از طریق سبک‌های دلبستگی ایشان قابل پیش‌بینی است و مثلث‌سازی با دیگران نیز می‌تواند این رابطه را تحت‌تاثیر قرار دهد، لذا با توجه به این عوامل و انجام آموزش‌ها و مداخلات لازم در این زمینه می‌توان رضایت زناشویی افراد را تا حد زیادی افزایش داد.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، سبک‌های دلبستگی، مثلث‌سازی، زوجین

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۹

مقدمه

گسترده‌ای به افراد و خانواده‌ها وارد می‌آورد. به همین دلیل در دهه‌های اخیر متخصصان حوزه خانواده به مطالعه سازوکارهای موثر در ایجاد یک ازدواج موفق علاقمند گردیده‌اند (۲). انگیزه اصلی از

خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، در پی تشکیل زندگی زناشویی شکل می‌گیرد (۱). شکست در زندگی زناشویی آسیب‌های عمیق و

انجام این تحقیقات یافتن عوامل مرتبط با دوام زندگی مشترک بوده است، بر اساس مطالعات مذکور رضایت زناشویی^۱، قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (۳). رضایت زناشویی می‌تواند از عوامل مختلف اثر پذیرد. برخی از مهمترین آنها خصوصیات شخصیت، سبک‌های ارتباطی، تجربی، بازخوردی و انگیزشی فرد هستند که طی زمان ثابت فرض شده‌اند (۴). سازمان جهانی بهداشت^۲، خانواده را به عنوان عامل اجتماعی اولیه در افزایش سلامت و بهزیستی معرفی کرده است و یکی از عواملی که سبب فروپاشی یا تضعیف کانون خانواده می‌شود روابط زناشویی ناسالم می‌باشد. رضایت از زندگی زناشویی نه تنها موجب می‌شود افراد شادتر، بانشاط‌تر و سالم‌تر زندگی کنند بلکه سهم عمده‌ای در سلامت والدین، تربیت نسل‌های بعدی و دوام زندگی دارد (۵). رضایت از زندگی زناشویی به منزله رضایت از خانواده محسوب می‌شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه موجب تسهیل در امر رشد و تعالی و پیشرفت‌های مادی و معنوی جامعه خواهد بود (۶). به طور کلی مدل‌های نظری متعددی در مورد رضایت زناشویی زوجین و عوامل موثر بر آن وجود دارد. رویکرد پژوهش حاضر بیشتر بر اساس نقش سبک‌های دلبستگی^۳ با در نظر گرفتن نقش مثلث‌سازی^۴ به عنوان متغیر میانجی است. دلبستگی یک رابطه هیجانی خاص است که مستلزم تبادل لذت-مراقبت و آرامش است و شامل سه سبک اجتنابی، اضطرابی و ایمن می‌باشد (۷). به بیان مورگان و شاور^۵ (۱۹۹۹) درک رضایت از روابط عاشقانه، بدون در نظر گرفتن تاثیر سبک‌های دلبستگی بر رضایت زناشویی امکان‌پذیر نمی‌باشد. بر اساس نظریه

دلبستگی فعالیت سیستم دلبستگی محدود به دوران کودکی نبوده و در تمام طول زندگی و پیوندهای عاطفی دیگر چون دوستی‌ها، ازدواج، روابط خویشاوندی و غیره فعال باقی می‌ماند و انسانها در هیچ سنی به طور کامل از احساس اعتماد نسبت به افراد مهم زندگی آزاد نیستند (۸). بر اساس این نظریه، بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن^۶ آن دسته افرادی هستند که یک حس مثبت نسبت به خود و درک مثبتی از دیگران دارند (۹). این بزرگسالان گرایش به داشتن دیدگاه‌های مثبت از خودشان و همسرشان دارند، این افراد هم با تعلق و هم با استقلال احساس راحتی می‌کنند (۱۰). افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن^۷ به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- افراد دارای دلبستگی اجتنابی^۸ ۲- افراد دارای دلبستگی اضطرابی^۹. بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی، خودشان را به صورت خودبسنده می‌بینند و افراد دارای این سبک، آسیب‌پذیری را انکار می‌کنند و ادعا می‌کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و تمایل به اجتناب از صمیمیت دارند (۱۱)، پژوهش نشان داده که آنان برای سرمایه‌گذاری در روابط رمانتیک‌شان تردید دارند، بنابراین پایین‌ترین سطح رضایت را دارا هستند (۱۲). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اضطرابی گرایش به داشتن دیدگاه کمتر مثبتی در مورد خودشان دارند. آنها اغلب در مورد ارزش خودشان به عنوان یک همسر شک دارند و خودشان را برای فقدان پاسخ‌گری همسرشان سرزنش می‌کنند (۱۰). لاجرم سبک دلبستگی یکی از عوامل شخصی اثرگذار بر رضایت زناشویی و کم و کیف آن خواهد بود. چرا که سبک دلبستگی نقطه شروع نظام ارتباطی زوجین بوده و پایه و اساس سایر الگوها و فرآیندهای مانند صمیمیت و ارتباط محسوب می‌شود (۱۳). از سوی دیگر گاه ارتباط نامناسب زوجین و عدم رضایت

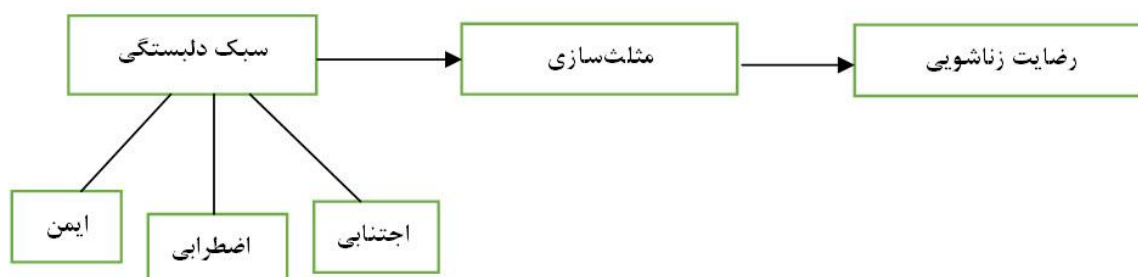
^۱ Marital Satisfaction^۲ World Health Organization (WHO)^۳ Attachment Styles^۴ Triangulation^۵ Morgan & Shaver^۶ Ainsworth^۷ Insecure Attachment^۸ Avoidant Attachment^۹ Anxious Attachment

آنها از این رابطه منجر به ایجاد مثلث‌سازی در خانواده به معنای کشیدن فرد سومی به رابطه، می‌گردد (۱۴). ایجاد مثلث می‌تواند رضایت زناشویی را تحت تاثیر قرار دهد (۱۵). یک زوج سالم می‌توانند درباره همه مسائل و احساسات شخصی‌شان با یکدیگر صحبت کنند اما زوجیهایی که مثلثی را تشکیل می‌دهند معمولاً درباره وجود هرگونه اختلاف در رابطه‌شان انکار شدیدی کرده و بین آنها صمیمیت وجود ندارد (۱۶). از سوی دیگر گاه در روابط زناشویی مشکلاتی ایجاد می‌شود که زوجین برای حل آنها به مثلث‌سازی می‌پردازند (۱۷). مثلث‌سازی الگوی رایج در روابط انسانی و غیرانسانی است. گلیه کردن از همسر نزد یک دوست، گفتگوی همکارانه درباره ی نواقص رئیس و کمک گرفتن از فرزندان برای حل مشکل یکدیگر نمونه‌هایی از مثلث‌سازی است (۱۵). مثلث‌سازی یک فرایند است که در آن یکی از زوجها از فرد سومی می‌خواهد که در رابطه او با همسرش مداخله کرده و از او در مقابل همسرش حمایت کند. در نتیجه باعث کاهش تنش بین زن و شوهر شود. این فرد می‌تواند، یک دوست، یک خویشاوند یا فرزند زوج باشد (۱۸). در دعوای زناشویی، رایج‌ترین مثلث‌ها به مشکلات فامیلی، روابط نامشروع و یا مشکلات کودک منجر می‌شود. مثلث‌ها در بین نسل‌ها یافت می‌شوند، زیرا والد یا فرزند برای کشیده شدن به دعوای زناشویی، معمولاً آسیب‌پذیرترین فرد دم دست است (۱۹). ایجاد مثلث نه تنها ارتباط زناشویی (۱۵)، بلکه دیگر ابعاد، مثل کاهش رابطه والد-فرزندی (۱۶)،

افسردگی فرزندان (۱۸) و جلوگیری از رشد فرزندان (۲۰) را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هیلی^۱ (۱۹۶۸) بیان می‌کند که وقتی ائتلاف‌هایی بین سطوح مختلف سلسله‌مراتب به وجود آید، سازمان دچار مشکل است. عدم آگاهی زوجها برای مقابله با مشکلات و اختلافات و گاه دخالت‌های غیرمنطقی اطرافیان باعث نارضایتی بیشتر می‌شود و اگر زن و شوهر یاد نگیرند که مشکلات خود را حل کنند، دیر یا زود رابطه به سردی می‌گراید و احتمال طلاق افزایش پیدا می‌کند (۲۱). به این ترتیب، با توجه به شواهد پژوهشی، به نظر می‌رسد که بررسی این عوامل می‌تواند کمک شایانی به روابط زوجین کرده و نهایتاً در رضایت آنها از رابطه زناشویی خود نقش داشته باشد همچنین با توجه به مطالب مطرح شده در سطور قبل این احتمال وجود دارد که سبک‌های دلبستگی به طور غیرمستقیم و از طریق مثلث‌سازی انجام گرفته توسط زوجین در پیش‌بینی رضایت زوجها نقش مؤثری داشته باشند (شکل ۱).

از این رو پژوهش حاضر به دنبال بررسی این سوال است که آیا بر اساس سبک‌های دلبستگی و به واسطه مثلث‌سازی، می‌توان رضایت زناشویی را در زوجین پیش‌بینی کرد یا خیر؟ امید است یافته‌های حاصل از این مطالعه به عنوان پایه‌ای برای دیگر مطالعات باشد.

^۱ Haley



شکل ۱. مدل فرضی پژوهش

روش کار

روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. تحلیل مسیر که نخستین بار به وسیله سوول رایت^۱ (۱۹۳۴) تدوین و توسعه یافت، اساساً با برآورد مقدار ارتباطات بین متغیرها و کاربرد این برآوردها به منظور به دست آوردن اطلاعاتی درباره روابط علی بین مجموعه‌ای از متغیرها می‌باشد. در حقیقت، کاربرد رگرسیون چندمتغیری، در ارتباط با تدوین بارز مدل‌های علی است (۲۲). ساده‌ترین راه برای محاسبه آنها، کاربرد روش رگرسیون معمولی است. روابط بین متغیرها در یک جهت جریان می‌یابد و به عنوان مسیرهای متمایزی در نظر گرفته می‌شود. مفاهیم عمده تحلیل مسیر در بهترین صورت از طریق ویژگی عمده آن یعنی نمودار مسیر که پیوندهای علی احتمالی بین متغیرها را آشکار می‌سازد، تبیین می‌شود. در پژوهش حاضر به منظور بررسی مدل پیشنهادی، از روش آماری تحلیل مسیر استفاده شد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد پژوهش کلیه افراد متاهل دانشگاه علوم پزشکی تهران اعم از کارکنان و دانشجویان در تمام دانشکده‌ها بود. برای افزایش اعتبار پژوهش ۲۶۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیدند و به ابزار پژوهش پاسخ دادند. شرط ورود به نمونه آماری ازدواج اول افراد و گذشت حداقل ۶ ماه از آغاز زندگی مشترک بود. از دیگر معیارهای ورود به پژوهش عدم سابقه بیماری و سلامت افراد بود. در نهایت ۲۵۴ پرسشنامه جمع‌آوری گردید. از بین آنها، ۱۵۱ نفر زن و ۱۰۳ نفر مرد بودند. وضعیت سنی نمونه‌های شرکت‌کننده در پژوهش بر مبنای سال نشان داد که در دامنه سنی زیر ۳۰ سال ۳۱ نفر (۱۵/۵٪)، ۳۰ تا ۴۰ سال ۶۷ نفر (۳۳/۵٪)، ۴۰ تا ۵۰ سال ۸۸ نفر (۴۴٪) و بالای ۵۰ سال ۱۴ نفر (۷٪) در

پژوهش حضور داشتند. ابزارهای استفاده شده در این پژوهش عبارت بودند از:

- پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۲: اولسون، فورتیر و درانکن^۳ (۱۹۸۹) از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نمودند، نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت طیف لیکرتی پنج‌درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم است. در پژوهش اولسون و همکاران (۱۹۸۹) ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های تحریف آرمانی، رضایت دو نفری، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، ازدواج و فرزندان، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات طلبانه و جهت‌گیری مذهبی به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۱، ۰/۷۳، ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۴۸، ۰/۷۷، ۰/۷۲، ۰/۷۱ و ۰/۷۳ گزارش شده است (۲۳). سلیمانیان (۱۳۷۳) برای تعیین روایی و اعتبار این پرسشنامه پس از ترجمه، سؤالات آن را به رؤیت متخصصان رسانید، بدین ترتیب روایی محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت. همچنین ضریب اعتبار نسخه ۴۷ سؤالی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که برابر با ۰/۹۵ بود و نشان‌دهنده اعتبار بالای این پرسشنامه بود (۲۴). در پژوهش حاضر میزان ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۷۰ بود.

- مقیاس سبک دلبستگی بزرگسالان^۴ (AAS): این مقیاس با استفاده از مواد آزمون‌هازن و شیور (۱۹۸۷) توسط بشارت (۱۳۸۵) ساخته شده است. این مقیاس یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (۱=خیلی کم تا ۵=خیلی زیاد) می‌سنجد. هر مقیاس دارای ۵ سوال می‌باشد. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای

² ENRICH Marital Satisfaction

³ Olson, Fournier & Druckman

⁴ Adult Attachment Scale

¹ Swell Wright

سنجش بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۸۴ محاسبه شد که نشانه اعتبار بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است (۲۵). روایی محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضریب‌های همبستگی بین نمره‌های ۱۵ نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ به دست آمد (۲۶). در پژوهش حاضر نیز میزان ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۳ و ۰/۶۴ به دست آمد.

- پرسشنامه مثلث‌سازی: این پرسشنامه توسط بهزادی (۱۳۸۸) ساخته شد و در آن برای سنجش مثلث‌سازی دو زیرمقیاس مورد استفاده قرار خواهد گرفت که این ابزارها نظر والدین در مورد وقوع مثلث‌سازی در خانواده را می‌سنجد. مثلث‌سازی با کودک، ادراک والدین از تلاش‌های همسر برای مثلث‌سازی با کودک را می‌سنجد و شامل ۱۳ سؤال است؛ مثلث‌سازی با نزدیکان شامل ۷ سؤال است و مجموع نمرات آن به عنوان نمره کل وقوع

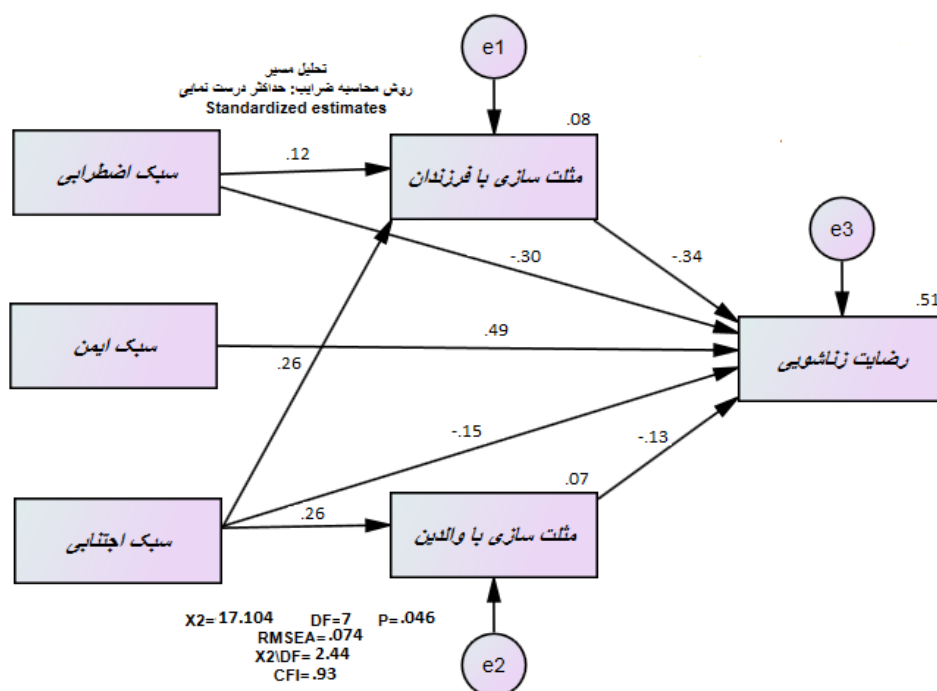
مثلث‌سازی با نزدیکان در نظر گرفته می‌شود. آلفای کرونباخ مثلث‌سازی با کودک در پژوهش بهزادی (۱۳۸۸) ۰/۸۲ به دست آمد که نشان‌دهنده پایداری مناسب آن است. ضریب آلفای کرونباخ مثلث‌سازی با اطرافیان نیز توسط بهزادی (۱۳۸۸) ۰/۸۰ گزارش شده است (۱۵). آلفای کرونباخ مثلث‌سازی با کودک در پژوهش حاضر ۰/۹۰ و مثلث‌سازی با نزدیکان ۰/۸۹ به دست آمد.

یافته‌ها

ضرایب همبستگی بین متغیرها در جدول ۱ در قالب ماتریس همبستگی ارائه شده است. از پنج متغیر پژوهش، سه متغیر مستقل پژوهش و مثلث‌سازی با فرزندان با رضایت زناشویی همبستگی در سطح (کمتر از ۰/۰۱) و متغیر میانجی مثلث‌سازی با نزدیکان در سطح (۰/۰۵) با رضایت زناشویی همبستگی دارد. برای بررسی فرضیه‌های تحقیق نمودارهای خروجی نرم افزار ایموس در حالت ضرایب استاندارد ارائه شده و سپس به تایید و رد فرضیه‌های پژوهش پرداخته خواهد شد. جدول ۲ شاخص‌های نیکویی برازش مدل پیشنهادی تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	Sd	۱	۲	۳	۴	۵	۶
رضایت زناشویی	۱۲۵/۰۶	۱۷/۷۶	۱					
دلبستگی ایمن	۱۲/۲۰	۴/۱۶	۰/۶۸۸**	۱				
دلبستگی اجتنابی	۱۲/۸۶	۴/۶۷	-۰/۶۸۳**	۰/۰۳۵	۱			
دلبستگی اضطرابی	۱۱/۴۰	۴/۱۹	-۰/۵۹۱**	-۰/۰۹۹	۰/۰۶۵**	۱		
مثلث‌سازی با فرزندان	۳۹/۹۸	۹/۹۴	-۰/۳۵۹**	-۰/۰۴۰	۰/۳۱۹**	۰/۲۵۹**	۱	
مثلث‌سازی با نزدیکان	۲۰/۷۹	۵/۴۸	-۰/۱۴۸*	-۰/۰۶۳	۰/۲۵۵**	۰/۲۰۶**	۰/۵۷۵**	۱



شکل ۲. ضرایب تخمین استاندارد مدل نهایی رضایت زناشویی

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل با داده‌ها

شاخص‌های برازش	Model fit	مقدار	مقادیر ایده‌آل	وضعیت
خی دو	X ²	۱۷/۱۰۴	> ۰/۵۰	مطلوب
درجه آزادی	df	۷	-	-
خی دو / درجه آزادی	X ² /df	۲/۴۴	< ۳	مطلوب
ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	RMSEA	۰/۰۷۴	< ۰/۰۸	مطلوب
نیکویی برازش	GFI	۰/۹۴	> ۰/۹۰	مطلوب
نیکویی برازش تعدیل شده	AGFI	۰/۹۱	> ۰/۹۰	مطلوب
تاکر و لویس	TLI	۰/۹۲	> ۰/۹۰	مطلوب
برازش مقایسه ای	CFI	۰/۹۳	> ۰/۹۰	مطلوب
برازش افزایشی	NFI	۰/۹۱	> ۰/۹۰	مطلوب

اعتبار یک مدل را می‌توان با استفاده از معیارهایی تحت عنوان معیارهای نیکویی برازش^۱ مورد بررسی قرار داد. در بین معیارهای برازش مدل، دو سطح تحت پوشش آماره کای اسکور و ریشه میانگین مربعات خطای باقیمانده^۲ از جمله معیارهایی هستند که در برازش یک مدل اندازه‌گیری بیشتر از دیگر شاخص‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند (۲۷). در

^۱ Goodness of Fit^۲ Root Mean Squared Error of Approximation (RMSEA)

مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر، شاخص کای اسکور، روش سنتی برای ارزیابی برازش کل مدل می‌باشد. براساس این آماره، فرض صفر بر برازش مدل با داده‌های جامعه آماری دلالت دارد. زمانی که کای اسکور معنادار می‌شود منجر به رد فرض صفر می‌شود بنابراین در اینجا برعکس فرضیات مرسوم، هدف رد فرض صفر نمی‌باشد (۲۸). در جدول شماره ۲ شاخص‌های برازش ارائه شده است. مطابق جدول ۲ مقدار کای مربع در پژوهش حاضر برابر با ۱۷/۱۰۴ است و در نتیجه در سطح کمتر از

۰/۰۵ معنادار شده است بنابراین فرض صفر مبنی بر برازش مدل با داده‌ها رد می‌شود. اما از آنجایی که مقدار این شاخص تحت تاثیر حجم نمونه می‌باشد اگر حجم نمونه زیاد باشد می‌توان از معناداری آن چشم‌پوشی کرد (۲۹). همچنین از تقسیم مقدار کای مربع بر درجه آزادی (X^2/df) مقدار کای مربع بهنجار بدست می‌آید. که برای برازش مناسب، برخی صاحب نظران، مقدار این شاخص را بین ۱ تا ۳ مناسب می‌دانند (۲۷). مقدار این شاخص برای داده‌های پژوهش بیشتر از ۲/۴۴ می‌باشد. ریشه میانگین مربعات خطای اندازه‌گیری باقیمانده (RMSEA)، که به عنوان تابعی از مقدار کوارینانس تفسیر می‌شود. انتظار می‌رود برای برازش مناسب مقدار این شاخص کمتر از ۰/۰۸ باشد (۲۲). وضعیت این شاخص (RMSEA) در خروجی مدل برابر ۰/۰۷۴ می‌باشد که بیانگر برازش مناسب مدل می‌باشد.

مقدار شاخص برازش بهنجار بنتلر بونت^۲ (NFI) و شاخص برازندگی افزایشی^۳ (IFI) و شاخص تاکر

^۱ Normed Chi-Square

^۲ Normed Fit Index (NFI)

^۳ Incremental Fit Index (IFI)

لویس^۴ (TLI) و شاخص برازندگی مقایسه‌ای^۵ (CFI) همگی نزدیک به یک می‌باشد. هر چه این شاخص‌ها به یک نزدیکتر باشد برازش مدل بهتر است (۲۸). سه معیار دیگر برای برازش مدل که به شاخص‌های برازش مطلق^۶ معروفند عبارتند از شاخص برازگی^۷ (GFI)، شاخص برازندگی تعدیل یافته^۸ (AGFI) و شاخص برازندگی امساک^۹ (PGFI) هستند. مقدار GFI و AGFI بزرگتر از ۰/۹۰ می‌باشد که حاکی از برازش قابل قبول مدل می‌باشد. مقدار PGFI باید کمتر از دو شاخص قبلی باشند (۳۰). در نهایت نتایج مربوط به این شاخص‌ها، نشان‌دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد. براساس شاخص‌های برازندگی، ضرایب مسیر روابط مستقیم متغیرهای پژوهش در مدل پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

^۴ Tucker Lewis Index (TLI)

^۵ Comparative Fit Index (CFI)

^۶ Absolute Fit Indices

^۷ Goodness of Fit Index

^۸ Adjusted Goodness of Fit Index

^۹ Parsimony Goodness of Fit Index

جدول ۳. ضرایب رگرسیون استاندارد و مقادیر تی اثرات مستقیم متغیرها

رابطه متغیرها	β	T
سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۲۶	۴/۱۲**
سبک دلبستگی اضطرابی	۰/۱۲	۲/۱۱*
سبک دلبستگی ایمن	-۰/۰۱۱	-۰/۹۸
سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۲۵	۵/۰۲**
سبک دلبستگی اضطرابی	۰/۰۸۲	۱/۲۷
سبک دلبستگی ایمن	۰/۰۷۹	۰/۲۶
مثلث سازی فرزندان	-۰/۳۴	-۷/۳۴**
مثلث سازی نزدیکان	-۰/۱۳	-۲/۷۹*
رضایت زناشویی	-۰/۱۴	-۲/۸۴**
سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۳۰	-۵/۴۹**
سبک دلبستگی اضطرابی	۰/۴۸	۸/۶۴**
سبک دلبستگی ایمن		

(۴/۱۲)، سبک دلبستگی اضطرابی بر مثلث‌سازی با فرزندان (۲/۱۱) و سبک دلبستگی ایمن بر مثلث‌سازی

با توجه به نتایج جدول ۳، مقدار T محاسبه شده برای تاثیر سبک دلبستگی اجتنابی بر مثلث‌سازی با فرزندان

با فرزندان ($0/98$) می‌باشد که در نتیجه این یافته‌ها می‌توان گفت سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی به طور مستقیم و معناداری با مثلث‌سازی با فرزندان در ارتباط هستند. همچنین، مقدار T محاسبه شده برای تاثیر سبک دلبستگی اجتنابی بر مثلث‌سازی با نزدیکان ($5/02$)، سبک دلبستگی اضطرابی بر مثلث‌سازی با نزدیکان ($1/27$) و سبک دلبستگی ایمن بر مثلث‌سازی با نزدیکان ($0/26$) می‌باشد که تنها در مورد سبک دلبستگی اجتنابی معنادار می‌باشد. مقدار T محاسبه شده در ارتباط بین مثلث‌سازی با فرزندان و رضایت زناشویی ($7/34$)، مثلث‌سازی با نزدیکان و رضایت زناشویی ($2/79$)، سبک دلبستگی اجتنابی و

رضایت زناشویی ($2/84$) و سبک دلبستگی اضطرابی و رضایت زناشویی ($5/49$) می‌باشد که در همه موارد ارتباطی منفی و معنادار است. در خصوص ارتباط سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی میزان T محاسبه شده برابر با $8/64$ به دست آمد که نشان‌دهنده ارتباطی مثبت و معنادار است. در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی، علاوه بر اینکه یک رابطه مستقیم وجود دارد، یک رابطه غیرمستقیم نیز با میانجیگری مثلث‌سازی با فرزندان و نزدیکان وجود دارد که از طریق روش بوت استرپینگ مورد آزمون قرار گرفته است.

جدول ۴. نتایج بوت استرپ مربوط به روابط غیر مستقیم متغیرها در مدل اصلاح شده

R^2			P	β	مسیرها
رضایت زناشویی	مثلث سازی با والدین	مثلث سازی با فرزندان			
$0/51$	$0/07$	$0/08$	$0/01$	$-0/056$	دلبستگی اجتنابی
			$0/05$	$-0/035$	دلبستگی اضطرابی
					رضایت زناشویی
					فرزندان / نزدیکان

مطابق جدول ۴ ضریب تعیین متغیر رضایت زناشویی $0/51$ می‌باشد که نشان می‌دهد که تمام متغیرهای پیش بین و میانجی یعنی سبک‌های دلبستگی و مثلث‌سازی‌ها می‌تواند 51 درصد از تغییرات رضایت زناشویی را در افراد متاهل پیش‌بینی کنند که این در حد قوی می‌باشد. همچنین ضریب تعیین مثلث‌سازی فرزندان برابر با $0/08$ درصد می‌باشد که در حد ضعیف و ضریب تعیین مثلث‌سازی والدین $0/07$ درصد می‌باشد. چنان‌چه در جدول ۴ مشاهده می‌شود در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی با رضایت زناشویی اثر غیر مستقیم مثلث‌سازی فرزندان در سطح $0/01$ معنادار می‌باشد بنابراین می‌توان گفت که این متغیر در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی رضایت زناشویی نقش میانجی ایفا می‌کند. همچنین نقش میانجی مثلث‌سازی نزدیکان در رابطه بین سبک‌های دلبستگی اضطرابی با رضایت زناشویی در سطح $0/05$ معنادار

می‌باشد. اما در رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی باید گفت هیچ کدام از متغیرهای مثلث‌سازی فرزندان و نزدیکان نقش میانجی نداشتند.

بحث

ادبیات پژوهشی گسترده‌ای در رابطه با رضایت زناشویی وجود دارد و همچنین در رابطه با سبک‌های دلبستگی و مثلث‌سازی پژوهش‌های متنوعی صورت گرفته است. اما مطالعات چندانی در رابطه با بررسی این متغیرها با یکدیگر و خصوصاً بررسی آنها به صورت یک مدل با در نظر گرفتن نقش میانجی صورت نگرفته است. برقراری رابطه بین مطالب مذکور و انجام مداخلات آموزشی در این زمینه علاوه بر غنی‌تر کردن ادبیات پژوهش موجود می‌تواند گامی در جهت بهبود زندگی و افزایش رضایت زناشویی در زوجین باشد. در این مطالعه تعداد ۲۵۴ فرد متاهل دانشگاه علوم پزشکی تهران به سه پرسشنامه رضایت

زناشویی، سبک دلبستگی و مثلث‌سازی پاسخ دادند. نتایج حاصل از پژوهش، نشان داد که سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی با هم در ارتباط هستند، بدین صورت که سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی موجب کاهش و سبک دلبستگی ایمن موجب افزایش رضایت زناشویی در زوجین می‌گردد، همچنین سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی موجب افزایش مثلث‌سازی در زوجین گردیده و مثلث‌سازی نیز با رضایت زناشویی رابطه‌ای منفی و معنادار دارد. نتایج بررسی ارتباطات غیرمستقیم نیز حاکی از آن بود که در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی، علاوه بر اینکه روابط مستقیمی وجود دارد، یک رابطه غیرمستقیم نیز با میانجیگری مثلث‌سازی سازی با فرزندان و نزدیکان وجود دارد. در واقع مشخص شد که نقش میانجی مثلث‌سازی نزدیکان در رابطه بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با رضایت زناشویی معنادار می‌باشد. اما در رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی باید گفت هیچ کدام از متغیرهای مثلث‌سازی فرزندان و نزدیکان نقش میانجی نداشتند. با توجه به اینکه در خصوص موضوع موردبحث و بررسی متغیر میانجی در ارتباط بین رضایت زناشویی و سبک‌های دلبستگی پژوهشی صورت نگرفته است پژوهشگران تلاش را بر آن داشته‌اند تا نتایج مطالعات مشابه را یادآور شوند. در همین راستا یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص ارتباط سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی با مطالعات هارمس^۱ (۳۱)، بیرانوند و همکاران (۳۲)، تیمورپور و همکاران (۳۳) و بیرامی و همکاران (۳۴) مطابقت می‌کند. تیمورپور و همکاران (۳۳) نشان دادند که بین سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در تبیین این یافته توجه به این نکته ضروری است که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن به دلیل احساس ایمنی بالاتر در رابطه و احساس امنیت روانی بیشتر، رضایت زناشویی

بیشتری را نیز تجربه می‌کنند اما افراد دارای سبک دلبستگی نایمن، به دلیل آشفتگی در سبک دلبستگی خود، نیاز شدید به جنبه‌های عاطفی و صمیمیت هیجانی دارند و ترس دائم از طردشدن از سوی شریک زندگی آنها، مکرراً شایستگی و توانایی انطباق عملکرد خانوادگی آنها را تحت‌تاثیر قرار داده و باعث ناراضی زناشویی می‌گردد. همچنین افراد با سبک دلبستگی نایمن معمولاً در روابط خود ترس از طردشدن دارند و غالباً تمایلی به نزدیک شدن به دیگران را ندارند و نگرانند که طرف مقابل به احساسات آنها پاسخ ندهد و همین امر منجر به سردی و دوری رابطه می‌گردد. به عبارت دیگر ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی افراد با سبک دلبستگی نایمن بر روابط زناشویی تاثیر منفی می‌گذارد (۳۵). افراد با سبک دلبستگی نایمن به دلیلی احساس اضطراب و طردشدگی دائمی و همچنین چسبندگی و دلبستگی شدید و احساس خطر دائمی بی‌وفایی از جانب همسر، بیش از حد برای همسر خود از لحاظ روان‌شناختی مشکل ایجاد می‌کنند و با کنترل و چسبندگی دائمی به او، آزادی طرف مقابل را سلب می‌کنند. تحمل این نوع رفتار و ویژگی‌های همسر دارای سبک دلبستگی نایمن برای طرف مقابل، مشکل ایجاد کرده و در درازمدت باعث سردی روابط می‌گردد و کیفیت رضایت زناشویی را پایین می‌آورد. بطور کلی می‌توان گفت بزرگسالان ایمن، همسرانی را انتخاب می‌کنند که تاریخچه دلبستگی ایمن داشته‌اند بنابراین راه‌حل‌های آنها برای عدم توافق‌ها سودمندتر بوده و روابط و زندگی زناشویی آنها رضایت‌بخش‌تر و پایدارتر است (۳۱). در خصوص ارتباط مثلث‌سازی با رضایت زناشویی یافته پژوهش حاضر با مطالعات مختلف همسو می‌باشد (۱۶-۱۸). یک عامل درونی مهم در فرایندهای خانوادگی، توانایی زوجها برای حل مشکلات در داخل رابطه خودشان است. جامعه‌شناسان، اغلب بیان کرده‌اند که رابطه دوگانه در برابر استرس و تعارض کم‌دوام است. پایداری رابطه دوگانه با ورود

¹ Harms

شخص سوم حاصل می‌شود. عامل تعیین‌کننده در دخالت نفر سوم ناتوانی زوج برای روبه‌رو شدن با آسیب، غلبه کردن بر استرس یا توانایی ضعیف آنها برای حل مساله است (۲۰). یک زوج سالم می‌توانند درباره همه مسائل و احساسات شخصی‌شان با یکدیگر صحبت کنند بدون آن که اضطرابی را تجربه کنند. زوج‌هایی که مثلی را شکل می‌دهند، معمولاً درباره وجود هرگونه اختلاف و ناسازگاری واقعی در داخل رابطه‌شان انکار شدیدی می‌کنند، بین آنها نزدیکی بدون هیچگونه گرمی و صمیمیت وجود دارد، نزدیکی دروغین. وقتی که یک دختر یا پسر به عنوان واسطه وارد رابطه والدین می‌شود، می‌توان گفت که مرز بین نسلی والدین و فرزند نقض می‌شود و یک مرز ضعیف و از هم‌پاشیده بین نسلی شکل می‌گیرد. این گونه مرزها باعث می‌شود که والدین به جای اتکا، اعتماد و کمک از همسر به فرزندان روی آورند (۱۶). والدین ظاهراً با هم هماهنگی دارند و مشکل آنها پشت تلاش برای فرزند دشوارشان گم شده است. ناراحتی آنها بیشتر احساس پوچی از کاری بی‌حاصل و تحلیل رفتن عاطفی است. ممکن است احساس کنند که رابطه مرده است اما، هیچکدام جرات نمی‌کنند درباره آن صحبت و حتی هوشیارانه فکر کنند. درگیر شدن در چنین مثلی باعث سرکوب عواطف آنها، اجتناب از نیازهای ارضا نشده و نفی احساس دوری از یکدیگر است. با توجه به فرهنگ حاکم در ازدواج در کشور، خانواده هنوز نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند و افراد پس از ازدواج، ارتباط نیرومندی با خانواده اصلی خود دارند. وجود این ارتباط اگرچه در بسیاری از مواقع برای زوج کمک‌کننده است ولی این امکان نیز وجود دارد که در هنگام بروز تعارض در رابطه زوجی یکی از زوجها اطرافیان را وارد رابطه تعارض‌آمیز کند و امکان ایجاد مثلث را فراهم سازد. چنین وضعیتی با تمام اضطراب‌های آن می‌تواند مدت‌ها زن و شوهر را نگه‌دارد ولی با خارج شدن فرد سوم از این رابطه مشکلات و معضلات زوجین دوباره خودنمایی خواهد

کرد (۱۷)، در واقع می‌توان گفت وارد کردن یک نفر سوم به رابطه زناشویی (فرزند یا نزدیکان) موجب می‌شود که زوجین نتوانند به طور مشخص به مشکل خود پرداخته و ارتباط خود را با یکدیگر بهبود بخشند، آنها تمام تلاش خود را معطوف به کودک و یا فرد سومی کرده و مشکلات ارتباطی و احساسی خود را در اولویت بعدی قرار می‌دهند، این موضوع موجب می‌شود تا مشکلات و تعارضات حل نشده باقی بماند و در نتیجه نه تنها در درازمدت در رابطه زوجین هیچ بهبودی حاصل نمی‌گردد بلکه با خروج نفر سوم از رابطه مشکلات با قدرت و شدت بیشتری خود را نشان خواهند داد. به این ترتیب یافته‌های حاصل از بررسی نقش مثلث‌سازی به عنوان متغیر میانجی در ارتباط سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی نیز قابل تبیین است.

نتیجه‌گیری

به طور کلی از پژوهش حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که افراد دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن براساس ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی خود به هنگام تعارضات به مثلث‌سازی با دیگران (فرزندان، نزدیکان) می‌پردازند که این امر رابطه زوجی آنها را تحت‌تاثیر قرار داده و موجب کاهش رضایت زناشویی می‌گردد. لذا اگرچه قضاوت قاطع و نهایی در این خصوص، نیازمند انجام پژوهش‌هایی در گستره اجتماعی و روان‌شناختی وسیع و متنوع است ولیکن یافته‌های حاصل می‌تواند سر‌آغازی برای انجام تحقیقات بعدی در زمینه ارتباط رضایت زناشویی با سبک‌های دلبستگی و مثلث‌سازی در زوجین باشد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان گفت که از آن جایی که در مطالعه حاضر نمونه مورد پژوهش تنها از دانشگاه علوم پزشکی تهران انتخاب شده است لذا باید در تعمیم یافته‌ها به کل جامعه ایران جانب احتیاط را رعایت کرد، بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نمونه‌گیری از جوامع مختلف ایران انجام شود،

همچنین محدودیت ابزار و سوگیری‌های مربوط به آن نیز می‌تواند از محدودیت‌های این پژوهش باشد.

References

- 1-Zare M, Rezaei A. The role of mediator of cognitive emotion regulation in the relationship between personality traits and marital satisfaction of married couples in Marvdasht. *Psychological methods and models*. 2017; 7 (24): 91-102.
- 2-Cheraghi M, Mazaheri M, Motabi F, Panahi L. Marital satisfaction prediction based on the quality of the relationship of the spouses with the two main families. *Culture Strategy*. 2016; 31(1): 99-125. [Full text in Persian]
- 3-Karimian N, Karimi Y, Bahmani B. The relationship of mental health dimensions and guilt feeling with marital commitment in married people. *Family Counseling and Psychotherapy*. 2011 May 1;1(2):243-56. [Full text in Persian]
- 4-Pourmidinani S, Noori A, Shafqati AS. Lifestyle relationship with marital satisfaction. *Family Research Quarterly*. 2015; 10 (39): 331-334.
- 5-Gholamzadeh Bafghi T, Jamali Bafghi T. Study of the relationship between membership in virtual social networks and marital satisfaction among married women and men. *jiera*. 2018 Mar 21;12(Special Issue):1151-65.
- 6-Sepehrian-Azar F, Mohammadi N, Badalpoor Z, Norozzadeh V. The relationship between hope and happiness with marital satisfaction. *Journal of health and care*. 2016 Apr 10;18(1):37-44.
- 7-Hadi S, Eskandari H, Sohrabi F, Motamedi A, Frokhi N. Structural model of marital commitment prediction based on attachment styles and self-control mediators and initial maladaptive schemas. *Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy*. 2017; 7 (28): 33-58.
- 8-Ainsworth MS. Attachments beyond infancy. *Am. Psychol*. 1989 Apr;44(4):709-716.
- 9-Cann A, Norman MA, Welbourne JL, Calhoun LG. Attachment styles, conflict styles and humour styles: Interrelationships and associations with relationship satisfaction. *Eur J Pers*. 2008 Mar;22(2):131-46.
- 10-Bogaerts S, Dallder AL, Knap LM, Kunst M, Buschman J. Critical incident, adult attachment style, and posttraumatic stress disorder: a comparison of three groups of security workers. *Social behavior and personality*. 2008; 36(8): 1063- 1072.
- 11-Wearden A, Peters I, Berry K, Barrowclough C, Liversidge T. Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Pers Individ Dif*. 2008 Apr 1;44(5):1246-57.
- 12-Aslani kh, Abdollahi N, A'man Allahi A he relationship between attachment style and marital commitment with the mediation of differentiation of self and feeling of guilt on female married students in Ahvaz. *Journal of counseling research*. 2017 Mar 10;16(61):191-220.
- 13-Fathi S, Azadian A. The effect of demographic factors on marital satisfaction of couples aged 35 to 55 years. *Quarterly Cultural and Social Council of Women and Family*. 2018; 19 (75): 111-135.
- 14-Jenkins JM, Buccioli JM. Children's understanding of marital conflict and the marital relationship. *J Child Psychol Psychiatry*. 2000 Feb;41(2):161-8.
- 15-Behzadi M. The role of mediating triangulation on the relationship between parents' apparent hostility and child behavioral problems [dissertation]. *Shahid Beheshti Unive*; 2009.
- 16-Fosco GM, Grych JH. Adolescent triangulation into parental conflicts: Longitudinal implications for appraisals and adolescent-parent relations. *J Marriage Fam*. 2010 Apr;72(2):254-66.
- 17-Khakhpour I, Nazari AM, Zahra Kar K. The Prediction of marital adjustment based on triangulation and structure of power in a family. *Thoughts and Behavior in Clinical Psychology*. 2014 Sep 23;9(33):37-46.
- 18-Bokek-Cohen YA. "Tell her she's wrong!" Triangulation as a spousal influence strategy. *J Consum Mark*. 2008 Jun 27; 25(4), 223-229.
- 19-Prochaska JA, Norkras JC. *Psychotherapy systems*. Translated by Yahya Seyed Mohammadi. 8nd ed. Tehran: Ravan Publishing; 2019:154-309.

- 20-Bell LG, Bell DC, Nakata Y. Triangulation and adolescent development in the US and Japan. *Fam Process*. 2001 Jun; 40(2):173-86.
- 21-Hey LC. *Psychotherapy Family*. Translated by Baqir Sanayi. Twelfth Edition. Tehran: Amir Kabir; 2012.
- 22-Hooman HA. *Structural equation modeling with LISREL application*. 5 th ed Tehran: SAMT; 2012. [Full text in Persian]
- 23-Olsen Dh, Fournier Dg, Druckman Jm. *Prepare, Prepare-Mc, Enrich Inventories*. Minneapolis, Mn: Prepare/Enrich; 1989.
- 24-Soleimani A. Investigation of irrational thinking based on cognitive approach to marital dissatisfaction [dissertation]. Faculty of Psychology and Educational Sciences. Kharazmi University of Tehran; 1996.
- 25-Besharat M. *Standardization of Adult Attachment Scale*, Research Report. University of Tehran; 2006.
- 26-Besharat M. The role of intermediate mechanisms of defense mechanisms in the relationship between attachment styles and emotional collapse. *Applied Psychology Quarterly*. 2013; 1 (21): 7-22.
- 27-Abarshi A, Hosseini Y. *Modeling Structural Equations*. Tehran, Publications of Sociologists; 2013.
- 28-Crollinger F, Nicles P, Al-Zar C. *Multivariate regression in behavioral research*. Translation by Hassan Sarai. Tehran, Samt; 2014.
- 29-Sarmed Z, Bazargan Harandi A, Hejazi A. *Research Methods in Behavioral Sciences*. Tehran, Publishing Agah; 1998.
- 30-Kalantari kh. *Modeling of Structural Equations in Socioeconomic Research*. Tehran, Culture Saba Publishing House; 2008.
- 31-Harms PD. Adult attachment styles in the workplace. *Human Resource Management Review*. 2011 Dec 1;21(4):285-96.
- 32-Beyranvand H, Azizi A, Dehghan Manshadi SM. Relationship between attachment styles and spiritual intelligence and marital satisfaction in married female teachers. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*. 2016 Apr 15;26(135):149-52.
- 33-Teimourpour N, Bidokhti Moshtagh N, Pourshahbaz A. The relationship between attachment styles, marital satisfaction and sex guilt with sexual desire in women. *J Clin Psychol*. 2010; 2(3):1-14.
- 34-Bayrami M, Fahimi S, Akbari E, Amiri Pichakolaei A. Predicting marital satisfaction on the basis of attachment styles and differentiation components. *J Fundam Ment Health*. 2012; 1(53):64-77.
- 35-Besharat M. Relationship between attachment styles with marital problems in infertile couples. *J Psychohypnos*. 2001; 19(20):55-66.